



اخبار مراکز علمی

کرسی ترویجی «فقه نظریات اسلامی و نظام

سازی فقهی» برگزار شد

به گزارش روابط عمومی دبیرخانه هیأت حمایت از کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره، کرسی ترویجی «فقه نظریات اسلامی و نظام سازی فقهی از دیدگاه آیت الله سید محمد باقر صدر و آیت الله هاشمی شاهرودی» در مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع) برگزار شد. در این نشست علمی حجت الاسلام ملک زاده، مدرس خارج حوزه علمیه قم به عنوان ارائه کننده، حجت الاسلام اسلامی به عنوان ناقد و حجت الاسلام سعدی به عنوان داور حضور داشتند. در ابتدای این نشست علمی، حجت الاسلام والمسلمین ملک زاده گفت: نظام عبارت از چارچوب و ساختار منظم و هدفمند است؛ و به هم پیوسته از باورها و ارزش ها برای اینکه بعدی از ابعاد زندگی انسان را سامان دهی کند، می باشد. وی افزود: نظام سازی به معنای ایجاد ساختاری در میان اجزای یک مجموعه که با پایین ترین هزینه و بالاترین سطح از کیفیت، دسترسی به هدف را میسر کند، است. ابعدی که جامعه در آن ابعاد و جنبه ها نیازمند نظام سازی است، متعدد است؛ زیرا هر جامعه ای نیازمند حوزه ها و عرصه های متنوعی است که شامل تعلیم، تربیت، خانواده، فرهنگ عمومی، اقتصاد، سیاست، روابط بین الملل، حقوق، امنیت، مسکن، شهرسازی، سلامت و ... می باشد. استاد حوزه بیان کرد: نظام سازی فقهی به معنی کشف، ساخت و پرداخت نظام ها و چارچوب های منسجم فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... مبتنی بر قوانین استنباط شده الهی برای تنظیم و سامان بخشی ابعاد گوناگون جامعه اسلامی و جهت دهی به بشر برای تقرب به خدا و دست یابی به زندگی آرمانی دنیوی و اخروی است. وی خاطر نشان کرد: در باب ضرورت نظام سازی فقهی نیز باید گفت که نظام سازی حلقه وصلی میان اندیشه و کنش و رابطه میان ایده و عمل است؛ برای عملیاتی شدن اندیشه ها و ایده ها نیازمند نظام و نظام سازی هستیم؛ یعنی دین و اندیشه های دینی از حوزه نظر و تئوری به واسطه نظام های دینی به عرصه کاربست اجتماعی وارد می شود. وی گفت: به نظر می رسد که اگر نظام نباشد، نمی توانیم کلمه الهی اسلامی داشته باشیم و در حقیقت تعبیر کامله الله علی العیا اگر بخواهد در ساحت بشری بیان شود، تبلور و تجلی آنها جز با نظام سازی امکان پذیر نیست. استاد حوزه بیان کرد: تولید علوم اسلامی مبتنی بر نظام سازی اسلامی است که این ایده، ایده شهید صدر است؛ بحث رهبر انقلاب پیرامون تولید علم نیز در همین راستاست و برای انجام این مسأله نیازمند نظام سازی در عرصه های مختلف هستیم. وی اظهار کرد: جامع دانستن اسلام و نفی سکولاریسم از جمله مهم ترین مسائلی است که باید از نظر کلامی آن را ببینیم؛ نظام سازی اجتماعی بر اساس دین با اندیشه سکولار امکان پذیر نیست؛ کسی که قائل به نظام سازی نبوده و در پی آن نباشد و خود را در چارچوب نظام های اسلامی قرار ندهد، سکولار است.



اجلاسیه نهایی کرسی نوآوری

«روش استقرایی-قیاسی نظریه پردازی دینی در علوم اجتماعی»

در مقام داوری نیز از عقل و نقل بهره می بریم. بستان بیان کرد: براساس شواهد متون دینی، دین اسلام را دینی جامع و کامل می دانیم که البته این جامعیت باید تعریف شود و آن این است که همه لوازم و اموری که در سعادت انسان دخیل باشد را باید بیان کرده باشد و متون دینی نیز تا حد زیادی منعکس کننده این جامعیت است. وی افزود: این جامعیت اقتضای می کند که دین در شاخه های مختلف علوم انسانی که با انسان و سعادت او کار دارد گزاره هایی دارد که ما هم باید بر روی همه این گزاره ها کار و تحقیق کنیم و نباید تنها بر گزاره های معتبر دینی کار کنیم. هدف نهایی مسیر ما نیز بیان دیدگاه جامع دین در مباحث مختلف علوم اجتماعی و ... است. بستان با بیان اینکه بخش کمی از گزاره های متون دینی گزاره های توصیفی تجربه پذیر هستند تصریح کرد: در مورد گزاره هایی که دچار مشکل ضعف سند نیستند باید توجه داشت که مبنای حجیت آن در متون دینی به تعبیر علمای اصول فقه، ظن معتبر است نه قطع و یقین به این ترتیب گزاره های قطعی سند و دارای مضمون توصیفی و تجربه پذیر سهم چندان زیادی در میان گزاره های متون دینی ندارند از این رو پذیرش آن در سطح فراترجمی علم خواهد بود. وی به دستاوردهای این نظریه اشاره کرد و افزود: بسیاری از مخالفت هایی که در سه دهه اخیر از سوی متخصصان مسلمان علوم اجتماعی با اندیشه علم دینی ابراز شده از ابهام های روش شناختی این اندیشه ناشی می شود که ما نوآوری خود را در روشی شش مرحله ای بیان کردیم. بستان تصریح کرد: در این روش که وجه ممیزه آن با روش های دیگر در نظریه سازی دینی در علوم اجتماعی است و جنبه ابداعی و نوآوری نظریه پرداز در اولویت است و جنبه تفسیری حداکثر یک مزیت تلقی می شود بدون آن که شرط لازم برای نظریه پردازی در سه شمار آید ولی در روش دیگر، تفسیر متون دینی اولویت دارد و جنبه ابداعی و نوآوری نظریه پردازی در خدمت آن است.

نقطه نظرات داوران

حجت الاسلام آذربایجانی عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه نیز به عنوان داور در سخنانی گفت: اینکه گفتند می توان به روایات ضعیف استناد شود شاید منظور وی بحث کبروی بودن نیست بلکه بحثی صغروی است و همان طور که در فقه، شهرت را جابر سند می دانیم در اینجا نیز نظریه پرداز قابل به این مسئله است. همچنین حجت الاسلام والمسلمین خسروپناه، پردازی به طرح چند سؤال پرداخت و گفت: اول اینکه تفاوت میان اجتهادی که ایشان مطرح کرده با اجتهاد مصطلح چیست؟ سؤال دیگر من این است که چه فرقی میان روش و روش شناسی قابل هستی؟ تعریف دقیق شما از فراترجمی چیست و آیا گزاره های دقیق دینی که تجربه پذیر است ولی تجربه هنوز آن را اثبات نکرده فراترجمی است و چه طور میان دیدگاه مبانی و حداکثری جمع کرده اید؟ در پایان سفر گردید پس انجام اصلاحات مورد نظر ناقدان از سوی ارائه دهنده نظریه، در جلسه دیگری مجدد این طرحنامه مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

اجلاسیه نهایی کرسی نوآوری «روش استقرایی - قیاسی نظریه پردازی دینی در علوم اجتماعی» سه شنبه ۲۹ تیرماه ۱۳۹۵ در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه برگزار شد و مورد نقد و بررسی ناقدان و داوران قرار گرفت. در این نشست علمی حجت الاسلام دکتر حسین بستان به عنوان ارائه دهنده نظریه سخنرانی داشت، حجج الاسلام دکتر عبدالحسین خسروپناه، دکتر غلامرضا صدیق اورعی و دکتر مسعود آذربایجانی به عنوان داوران، و حجت الاسلام دکتر محمد تقی سبحانی، دکتر محمد فتحعلی خانی و دکتر محمد تقی موحد ابطیعی به عنوان ناقدان بحث حضور داشتند.

معرفی صاحب نظریه

حجت الاسلام دکتر حسین بستان استادیار و مدیر گروه جامعه شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه است. عمده مطالعات دکتر بستان پیرامون علوم انسانی اسلامی و علم دینی می باشد. نوع کارهای او در بردارنده نوآوری در مباحث علم دینی و ساخت نظریه در علوم اجتماعی است. از دکتر بستان تا کنون بیش از هفت جلد کتاب تالیف و ۵۰ مقاله نیز به چاپ رسیده است.

مسأله اصلی نظریه

حجت الاسلام والمسلمین بستان، ارائه دهنده نظریه روش استقرایی- قیاسی نظریه سازی دینی در کرسی این نظریه در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه گفت: بحث پیرامون روش نظریه سازی دینی در علوم اجتماعی بحثی نسبتاً بدیع و تقریباً ناشناخته در محیط های علمی و دانشگاهی است. وی با بیان اینکه نوآوری وی در این نظریه با هدف پیشبرد ادبیات بحث علم دینی به ویژه در زمینه روش شناسی و روش علم دینی به معرفی روش تلفیقی می پردازد که بر استفاده از ظرفیت های اجتهاد و روش های علوم اجتماعی در جهت افزایش تعامل میان آن ها در مقام نظریه پردازی استوار است و حاصل این نوآوری ارایه روشی شش مرحله ای است. بستان تصریح کرد: مراحل شش گانه این روش شامل: تدوین پرسش و تحقیق، مروری بر ادبیات بحث، جستجو و استخراج گزاره های مرتبط با مسئله تحقیق در متون دینی، گزاره پردازی، ساخت مدل نظری انتزاعی و ساخت مدل تجربی انضمامی است. این نظریه پرداز بیان کرد: نظریه سازی در علوم اجتماعی نوعاً از یکی از سه راهبردهای استقرایی، قیاسی و تلفیقی پیروی می کند. در راهبردهای استقرایی، حرکت از گزاره های جزئی مشاهده ای آغاز و به گزاره های کلی انتزاعی ختم می شود. در قیاسی، حرکت از گزاره های کلی انتزاعی آغاز و به گزاره های خاص تر می رسد و در تلفیقی حرکتی رفت و برگشتی میان گزاره های جزئی و کلی به نمایش در می آید. بستان با بیان اینکه پیش فرض این نظریه تفاوت میان سطح تجربی علم و فراترجمی است، و در سطح فراترجمی از روش های مختلفی استفاده می شود ادامه داد: اگر تعارضی میان یک گزاره دینی که سند آن در منابع دینی وجود دارد با تجربه پیش آمد در سطحی فراترجمی پذیرفته می شود و با روش دینی و یا عقلی به آن استناد می کنیم یعنی

اخبار دبیرخانه

حجت الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه پاسخ داد: قرآن تا چه اندازه پاسخگوی نیازهای تربیتی ماست؟

به گزارش روابط عمومی دبیرخانه هیأت حمایت از کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره، حجت الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه در یادداشتی کوتاه و جامع به این پرسش پاسخ داده که قرآن تا چه اندازه پاسخگوی نیازهای تربیتی ماست؟ این سؤال مبنایی و بسیار مهمی است که پاسخگویی به آن نیازمند دانستن مقدماتی علمی و تخصصی در حوزه مفهوم شناسی تربیت، مبانی، اصول، روش ها، و اهداف از نظر نگاه قرآن است. مفهوم شناسی تربیت، مقصود از تربیت کشف قانونمندی های حاکم بر قوا و استعداد های انسان است. جریان تربیت می کوشد استعدادهای بالقوه انسان را با ایجاد زمینه های مناسب به فعلیت برساند تا انسان مظهر فضائل اخلاقی شود. برای درک این تعریف از تربیت باید آن را از دو دانش مشابه ش متمایز ساخت. این دو حوزه از دانش عبارتند: علم نفس فلسفی و اخلاقی. تمایز حوزه تربیت از دانش های مشابه آن علم النفس فلسفی که در آن ساحت های وجود انسان مطرح می شود. این دانش به معرفی قوا و استعدادهای انسانی میپردازد. به طور مثال در بحث های انسان شناسی قرآنی گفته می شود انسان دارای قوای شهوت، غضب، عقل و... است. شهید مطهری در آثارش می فرماید: انسان دارای دو من است، من سفلی و من علوی (دانی و عالی)، که هر یک از این من ها دارای استعدادهایی هستند. انسان در تربیت از زمینه هایی استفاده میکند تا این استعدادها به فعلیت برسند. اما چالش اساسی و مهم در این است که کدامیک از استعدادها باید به فعلیت برسند؟ عده ای گمان می کنند تنها باید استعداد های من عالی به فعلیت برسد ولی اسلام معتقد است همه ی استعدادها باید به فعلیت برسند اما استعدادهای من دانی در حکم وسیله ای برای رشد و شکوفایی من عالی هستند. به بیان دیگر این که اصالت در اسلام با استعدادهای من عالی است و استعدادهای من دانی وسیله هستند. اگر استعدادهای من سفلی، فعلیت یابند، باید در راستای من علوی باشد. و این تفاوت تربیت اسلام با تربیت سکولار است. پس در انسان شناسی و علم النفس فلسفی، فقط قوای انسانی را می شناسیم و لکن چگونگی فعلیت دادن آن ها دیگر در حیطه علم تربیت است و علم النفس.

شناسنامه

مدیر مسئول: عبدالحسین خسروپناه
سر دبیر: مصطفی اسماعیلی
مدیر اجرایی: علی اکبر مسگر
هیأت تحریریه: مرتضی کیمیجانی، ابوالفضل صیامیان گرجی
نشریه خبری (نظر) به صورت هفتگی توسط دبیرخانه هیأت حمایت از کرسی های نظریه پردازی نقد و مناظره منتشر می شود. منتظر دریافت اخبار شما جهت درج در این نشریه و همچنین پیشنهادات و انتقادات سازنده شما هستیم.
شماره تماس: ۰۲۱-۶۱۳۵۲۲۴۰
nazar.korsi.mag@gmail.com

در شماره آینده می خوانیم:

گفتگو با دکتر میثم چگین
معاون علمی دبیرخانه هیأت حمایت از کرسی های نظریه پردازی، نقد و مناظره

